



درس فارح فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: نکاح

تاریخ: ۲۱ دی ۱۳۹۹

مصادف با: ۲۶ جمادی الاول ۱۴۴۲

موضوع جزئی: مسئله ۲۳- ادله لزوم حجاب زن - دلیل اول: آیات - آیه ۵۳ احزاب

جلسه: ۶۵

سال سوم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

ادله لزوم حجاب زن

در مسأله ۲۳ دو موضوع مهم و اصلی مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ یکی مسأله ستر و پوشش زنان و دیگری ستر و پوشش مردان. در موضوع اول (ستر و پوشش زنان) به ادله و مستندات تکیه شده است؛ اصل آن از مسلمات است و تقریباً مورد تسالم است، اما در عین حال باید ادله و مستندات را در اینجا ذکر کنیم. بعضی از این مستندات در گذشته به مناسبت بحث از حکم نظر به اجنبیه ذکر شده، اما بعضی ذکر نشده یا اگر هم ذکر شده از این زاویه مورد توجه قرار نگرفته است. ما یک مرور اجمالی و بعضاً تفصیلی نسبت به این ادله خواهیم داشت.

دلیل اول: کتاب

به آیاتی از قرآن برای وجوب حجاب و پوشش زنان استناد شده است.

آیه اول: آیه ۵۳ احزاب

آیه اول، آیه ۵۳ سوره احزاب است؛ البته از نظر ترتیب نزول، آیات سوره احزاب مقدم بر سوره نور است ولی از نظر ترتیب سور، سوره نور مقدم بر سوره احزاب است. آیه این است: «وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ»، زمانی که می‌خواهید از زنان پیامبر(ص) متاعی را طلب کنید، پس مسألت شما من وراء حجاب باشد و این برای قلوب شما و قلوب آنها پاکیزه‌تر است. البته قبل از این آیه، این چنین نازل شده: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَى طَعَامٍ غَيْرِ نَاظِرِينَ إِنَاهُ وَلَكِنْ إِذَا دُعِيتُمْ فَادْخُلُوا فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوا وَلَا مُسْتَأْنِسِينَ لِحَدِيثٍ إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ يُؤْذَى النَّبِيَّ فَيَسْتَحْيِي مِنْكُمْ وَاللَّهُ لَا يَسْتَحْيِي مِنَ الْحَقِّ وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ...».

شان نزول

این آیه در سال پنجم هجرت نازل شده و در شأن نزول آن بین شیعه و اهل سنت اختلاف نظر وجود دارد. گمان می‌کنم در سال گذشته به مناسبتی این آیه را مطرح کردیم و درباره شأن نزول آن هم طبق نظر شیعه و هم طبق نظر اهل سنت نکاتی را متعرض شدیم. اجمال آن این است که بنا بر نظر اهل سنت این آیه در پی اعتراض عمر نسبت به پوشش زنان پیامبر(ص) نازل شد؛ از عایشه هم روایتی در این باره نقل شده و دیگران هم نقل کرده‌اند. گرچه در مورد خود این داستان بین روایات اهل سنت هم تفاوت و اختلاف وجود دارد؛ برخی بدون اینکه این را مستند به یک حادثه خاصی کنند، گفته‌اند که عمر خیلی معترض بود و از باب محبت زیادی که به پیامبر(ص) داشت وقتی می‌دید زنان پیامبر(ص) گاهی با پوشش نامناسب در انظار ظاهر می‌شوند، مرتب مطالبه محدودیت بیشتر می‌کرد برای آنها و بعد از آن اعتراضات این آیه نازل شد. طبق برخی روایات عایشه نقل می‌کند

که زنان پیامبر(ص) گاهی به بلندی‌های اطراف مدینه می‌رفتند و شبی از شب‌ها یکی از زنان پیامبر(ص) به نام سوده که در تاریکی شب در کوچه به سمت آن مکان می‌رفت یا برمی‌گشت، عمر او را دید و شناخت و با صدای بلند در کوچه او را صدا زد و گفت من تو را شناختم. یعنی از اندام و قامت پی برد که این زن کیست؛ بعد معترض بود که چرا زنان پیامبر(ص) این چنین در معرض دید دیگران قرار می‌گیرند. به‌هرحال اجمالاً طبق نظر اهل سنت این آیه در پی اعتراض عمر به نحوه پوشش زنان پیامبر(ص) نازل شده است.

سؤال:

استاد: این شأن نزول چند اشکال دارد؛ مثلاً یکی از اشکالاتش همین است که اساساً آیه قبلش مربوط به خانه پیامبر(ص) است. اگر مسأله رفت‌وآمد زنان پیامبر(ص) به بلندی‌های اطراف مدینه بوده، پس چرا اینجا می‌گوید «لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ...»، این هیچ ارتباطی با آن ندارد. اشکالات در اینجا زیاد است. ...

شأن نزولی که علمای شیعه برای این آیه ذکر کرده‌اند متفاوت است. آنها معتقدند که پیامبر(ص) بعد از ازدواج با زینب بنت جحش ولیمه‌ای داد و برای این منظور گروه‌گروه اصحابش را دعوت می‌کرد و آنها بعد از صرف طعام در منزل پیامبر(ص) می‌ماندند و مشغول گفتگو می‌شدند و این باعث می‌شد که پیامبر(ص) اذیت شود و در عین حال ابا می‌کرد از اینکه از آنها بخواهد تا منزل ایشان را ترک کنند؛ آنگاه این آیه نازل شد که «إِذَا دُعِيتُمْ فَادْخُلُوا فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوا وَلَا مُسْتَأْنِسِينَ...».

قهرماً آنچه که اهل سنت گفته‌اند مبتلا به اشکال است؛ یک اشکال این است که اساساً سیاق این آیه با آن شأن نزول سازگاری ندارد؛ مسأله، مسأله حضور در بیت و دخول در بیت است و بحث مسألت متاع است. لذا مجموعاً آن شأن نزولی که اهل سنت ذکر کرده‌اند، چه بسا چندان با این آیه مناسب نباشد. ما فعلاً فرض را بر این می‌گذاریم که شأن نزول آیه همین است؛ یعنی آنچه که در برخی از تفاسیر روایی شیعه هم ذکر شده است. در تفسیر قمی^۱ و البرهان و برخی از تفاسیر روایی دیگر هم این آمده است.

تقریب استدلال به آیه

علی‌ای‌حال بحث این است که به این آیه استناد شده برای وجوب پوشش زنان. من اصل استدلال را ذکر می‌کنم و بعد این را مورد بررسی قرار می‌دهیم. عمدتاً در مورد این آیه بحث در این است که آیا اساساً این آیه شامل غیر زنان پیامبر(ص) هم می‌شود یا نه. استدلال به این آیه محتاج چند مقدمه است:

مقدمه اول: یکی اینکه اساساً این آیه تکلیف برای زنان پیامبر(ص) ایجاد می‌کند یا برای مؤمنان هم تکلیف ایجاد می‌کند؟ چون ظاهر آیه این است که «وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ»، دارد به مؤمنان و مردان می‌گوید که شما من وراء الحجاب با اینها برخورد کنید؛ شما حق ندارید به صورت مستقیم با اینها مواجه شوید. این ظاهرش آن است که تکلیف را متوجه مؤمنین می‌کند. آن وقت بحث این است که آیا خود زنان پیامبر(ص) هم در اینجا تکلیفی دارند؟ ظاهر این است که این آیه تکلیف نسبت به زنان پیامبر(ص) هم ایجاد می‌کند؛ یعنی اینطور نیست که فقط یک تلکیفی را به عهده مؤمنان بگذارد و نسبت به زنان پیامبر(ص) بی‌تکلیف باشد و اصلاً آنها را در این رابطه مقید نکند. معنا ندارد که از یک طرف به مؤمنان بگوید

۱. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۹۵.

شما من وراء الحجاب با اینها برخورد کنید و از طرف دیگر به زنان پیامبر(ص) بگوید شما هر طور خواستید عمل کنید و لازم نیست من وراء الحجاب با اینها مواجه شوید. لذا سیاق آیه و مجموع نکاتی که در این آیه وجود دارد، اقتضا می‌کند که این تکلیف هم شامل مؤمنان است و هم شامل زنان پیامبر(ص). لذا ادعای اختصاص این دستور به مؤمنان به خاطر ظاهر این آیه قابل قبول نیست؛ اصلاً مناسبت حکم و موضوع، و قرائن دیگر این را نفی می‌کند. پس در این بحثی نیست.

به هر حال آیه تکلیفی را برای زنان پیامبر(ص) ایجاد کرده است؛ چون اگر کسی بگوید که این تکلیف مختص به مؤمنان است، این اصلاً از دایره بحث خارج می‌شود. ما باید فرض را بر این بگذاریم که این آیه دارد یک تکلیفی را به عهده زنان پیامبر(ص) هم می‌گذارد.

مقدمه دوم: اینکه در مورد زنان پیامبر(ص) مسلم این تکلیف وجود دارد و قرائنی هم این را تقویت می‌کند. از مجموع این آیات سوره احزاب می‌فهمیم که خداوند تبارک و تعالی در مورد زنان پیامبر(ص) دارد یک محدودیت‌هایی را ایجاد می‌کند. چون مثلاً در آیه ۵۵ می‌گوید: «لَا جُنَاحَ عَلَيْهِنَّ فِي آبَائِهِنَّ وَلَا أَبْنَائِهِنَّ». یک عده را مستثنی می‌کند از اینکه لازم نیست من وراء الحجاب با زنان پیامبر(ص) مواجه شوند؛ بعد هم در مورد سخن گفتن آنها و اینکه صدای خودشان را در موقع سخن گفتن نازک نکنند تا «يَطْمَعِ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ» پیش آید. لذا اصل اینکه این آیات تکلیفی را به عهده زنان پیامبر(ص) گذاشته، این هم از خود آیه و هم قرائن دیگری که در آیات قبل و بعد وجود دارد، قابل استفاده است.

مقدمه سوم: از این آیه استفاده می‌شود که این تکلیف اگر در صورت نیاز ثابت شود، در فرض غیر نیاز به طریق اولی ثابت است. می‌گوید اگر شما متاع می‌خواهید، یعنی وجوب السؤال من وراء الحجاب در صورتی که نیاز دارید، این اقتضا می‌کند در صورت عدم نیاز به طریق اولی باید من وراء الحجاب باشد. وجوب حجاب در صورتی که نیاز دارید، اقتضا می‌کند در غیر وقت نیاز و حاجت به طریق اولی من وراء الحجاب باشد. این هم مطلبی است که از این آیه برای زنان پیامبر(ص) چه بسا می‌توانیم استفاده کنیم. این مطلبی است که بعضی از محققان و نویسندگان هم گفته‌اند؛ مثل صاحب اسداء الرغاب. صاحب اسداء الرغاب - که قبلاً بعضی از استدلال‌هایش را ذکر کردیم - می‌گوید «وجوب السؤال من وراء الحجاب فی البيوت فی محل الحاجة الى المتاع عدل علی وجوب الستر فی غیر محل الحاجة»، اگر در محل حاجت باید سؤال من وراء الحجاب باشد، در غیر محل حاجت به طریق اولی باید باشد. پس اگر این مسأله را هم فرض بگیریم، به هر حال وجوب الحجاب یا وجوب الستر برای زنان پیامبر(ص) در غیر محل نیاز و حاجت ثابت می‌شود.

پس ابتدا یک سری نکاتی را باید درباره زنان پیامبر(ص) از این آیه استفاده کنیم و بعد برویم دنبال تعمیم آن. شاید این راهی که این مؤلف طی کرده اینطور است که اصل حکم را در مورد زنان پیامبر(ص) تحکیم کرده و بعد به دنبال تعمیم آن نسبت به سایر زنان رفته است.

مطلب دیگر این که کأن مسأله من وراء الحجاب موضوعیت دارد برای زنان پیامبر(ص)؛ یعنی مهم این است که کسی زنان پیامبر(ص) را نبیند. شاید شأن و جایگاه و موقعیت ویژه‌ای که زنان پیامبر(ص) دارند، اقتضا می‌کند که اصلاً کسی آنها را نبیند. این هم یک پیش‌فرضی است ولی باید ببینیم آیا این پیش‌فرض‌ها واقعاً قابل قبول است یا نه.

پس آیه اولاً شامل زنان پیامبر(ص) هم هست و تکلیف را نسبت به زنان پیامبر(ص) هم ثابت می‌کند و نه به خصوص مؤمنان.

صرف نظر از اینکه این دو روایت، دو داستان باشند یا یکی، اصل آن دلالت بر این می‌کند که نفس رفتن زنان پشت پرده موضوعیت دارد. اینکه پیامبر(ص) دستور می‌دهد حجاب داشته باشید و پشت پرده قرار بگیرید، این معلوم می‌شود که زنان باید اینطور باشند. این اگر اختصاص به زنان پیامبر(ص) داشت، باید ام‌سلمه می‌گفت: «بعد أن أمرنا بالحجاب». اگر مسأله حجاب اختصاص به زنان پیامبر(ص) داشت، باید می‌گفت بعد از اینکه ما امر شدیم به حجاب؛ در حالی که می‌گوید «بَعْدَ أَنْ أُمِرَ بِالْحِجَابِ». پس اینکه ام‌سلمه نمی‌گوید «بعد أن أمرنا بالحجاب»، یعنی اختصاص به زنان پیامبر(ص) ندارد. این حاکی از آن است که کأن مسأله حجاب یک مسأله مسلمی بوده و پیامبر(ص) هم آن را قبلاً بیان کرده بودند. یعنی خداوند متعال قبلاً دستور داده بود و این در بین مردم پذیرفته شده بود؛ منتهی بحث این بود که آیا از شخص کور حجاب لازم است یا نیست.

شاهد سوم: یک قرینه دیگری که برای تعمیم ذکر می‌کنند، قاعده اشتراک در تکلیف است. می‌گویند آیه تکلیف را نسبت به همسران پیامبر(ص) ثابت کرده است؛ اما از آنجا که اصل در تکالیف اشتراک جمیع است مگر اینکه قرینه‌ای بر اختصاص داشته باشیم، لذا باید بگوییم این تکلیف برای همه زنان ثابت است و همه باید حجاب داشته باشند. درست است اینجا موردش خصوص زنان پیامبر(ص) است، ولی مجموعاً دلیلی بر اختصاص نداریم. در بسیاری از موارد، سؤالات و تکالیفی که در احادیث بیان شده، همه به این ترتیب است؛ یعنی یک مورد خاصی است، دستور به شخص خاصی است، اما معلوم است که اختصاص به مورد خاص ندارد و همه را شامل می‌شود. اینجا هم همین طور است؛ لذا از راه قاعده اشتراک در تکالیف و عدم اختصاص به زنان پیامبر(ص)، می‌توانیم این تعمیم را استفاده کنیم.

پس مجموعاً آیه ۵۳ سوره احزاب با آن مقدماتی که ذکر کردیم و به استناد این دو یا سه شاهد و قرینه، مورد استدلال قرار گرفته برای وجوب ستر و پوشش و حجاب همه زنان. باید ببینیم آیا این استدلال تمام است یا نه.

«والحمد لله رب العالمين»